

عیسیٰ در اسلام

کتاب حاضر ما حاصل بیست و سه سال تجربه نگارنده در احوال مسیح و مسیحیت است و هدف از چاپ و نشر آن عبارت است از:

اول - فراهم آوردن راهنمای مستند و مفیدی برای افرادی که علاقمند به دادن بشارت وجود عیسی مسیح و نشر مسیحیت در میان خواهران و برادران مسلمان میباشند.

دوم - ارائه پاسخ به پرسش هایی که همیشه در اذهان بسیاری از مسلمانان در مورد مسیح و مسیحیت وجود دارد.

سوم - ارائه طریق به بسیاری از کسانی که پیوسته بدنبال حقیقت میباشند و با خواندن این کتاب بسیاری از حقایق بر ایشان مکشوف شده و هر روز بیشتر مشتاق خواندن انجیل (خبر خوش) خواهند شد.

یوحنا درآیه ۳۲ از فصل هشتم می فرمایند: "حق را خواهی شناخت و حق تو را آزاد خواهد کرد."

هدف این کتاب، انتقاد از باورها و آداب مذهبی مسلمانان نمی باشد؛ بلکه این کتاب به بررسی چهره عیسی مسیح در قرآن پرداخته و خوانندگان را به شناختی عمیق تر از او دعوت می نماید.

حق چاپ محفوظ است

ISBN 978-0-9867059-4-6

اسلام

امروزه بیش از 1/2 میلیارد نفر از مردم جهان، پیرو دین اسلام هستند. اسلام، دومین دین بزرگ جهان بشمار می رود و گفته میشود که سرعت رشد و گسترش آن در مقایسه با سایر ادیان جهان از همه بیشتر بوده است.

اگرچه منشأ و خاستگاه اسلام تمدن عرب است، اما بیشترین جمعیت اسلامی جهان در کشورهایمانند اندونزی و پاکستان به چشم می خورد.

منشأ اسلام

اسلام در قرن هفتم میلادی در خلیج عربی شکل گرفت.

این منطقه، نبردگاه دو ابر قدرت سیاسی آن زمان به شمار میرفت که عبارت بودند از: امپراطوری روم شرقی در غرب، و امپراطوری پارس در شرق. در آن دوره، قبایل چادرنشین گوناگون ساکن در منطقه، از هیچگونه ساختار اجتماعی متشکل و یا رهبریّت سیاسی برخوردار نبودند. تنها مکانی که آنها در آن گردهم می آمدند، شهر مکه بود. کعبه، ساختمانی مکعب شکل در مکه بود که منزلگاه 360 بت از انواع خدایان قبیله ای گوناگون به شمار میرفت. تمام قبایل عرب، سالی یکبار برای برپایی یک سفر زیارتی که حج نام داشت، در کعبه گردهم آمده و در آنجا به عبادت و پرستش خدایان و الهه های خود مشغول می شدند.

در سال 610 میلادی، بازرگانی به نام محمد وارد صحنه شد و فرمانی الهی را همراه داشت که بر اساس آن می بایست قبایل عرب را به شکل یک ملت واحد و با یک خدای واحد، متحد سازد. او فرزند عبدالله و آمنه بود و در سال 570 میلادی در شهر مکه تولد یافت. وی در کودکی والدین خود را از دست داد و از آن پس، عمویش ابوطالب وی را همانند یکی از اعضای خانواده اش پرورش داد. محمد برای امرار معاش در ابتدای جوانی به حرفه بازرگانی رو آورد.

زنی بیوه به نام خدیجه که کارفرمای محمد بود، شیفته افسون جوانی وی شد و این امر سرنوشت محمد را به شکل غیرمنتظره ای تغییر داد. محمد در سال 595 میلادی با خدیجه پیمان ازدواج بست؛ پیمانی که برای وی ثروت، مقام اجتماعی، و قدرت سیاسی به ارمغان آورد.

محمد اغلب میان قبایل مختلف مکه در رفت و آمد بود تا بتواند جبهه ای متحد علیه نیروهای مهاجم امپراطوری پارس و امپراطوری روم شرقی گرد آورد. چندی نگذشت که وی دریافت عامل اصلی تفرقه، سیاست های بین قبایل نیست، بلکه مذاهب آنان است. مردم را نمی توان با یکدیگر متحد ساخت مگر آنکه خدایان و الهه هایی که باعث تفرقه آنان شده اند، از میان برداشته شوند و همه ملت تحت قلمروی یک خدای واحد قرار گیرند.

محمد ادعا کرد که فرشته خدا جبرئیل، در غاری بر او ظاهر شده و از سوی الله برای وی مکاشفه ای آورده است؛ محمد معتقد بود که الله، همان خدای یهودیان و مسیحیان میباشد. اما از آنجا که یهودیان، انبیاء او (خصوصاً عیسی) را کشته اند، وی از آنها مأیوس گشته است و از سویی دیگر، مسیحیان را نیز طرد کرده به دلیل آنکه آنان سه گانگی را باب نموده اند که به زعم محمد اعتقاد به وجود سه خداوند بود. بر این اساس محمد ادعا کرد که مکاشفه ای جدید را از الله دریافت نموده است که تورات یهودیان (عهد قدیم) و انجیل مسیحیان (عهد جدید) را لغو می ساخت. او قبایل را وادار نمود که او را به عنوان نبی خدا بپذیرند. کسانی که تسلیم قدرت الله گشتند، مسلمان نامیده شدند.

در آغاز، قبایل محلی با پیام محمد با خصومت و تمسخر برخورد می کردند. در سال 622 میلادی، مسلمانان شدیداً مورد جفا و آزار قرار گرفته و مجبور شدند به مدینه بگریزند؛ مدینه شهری بود که حدوداً در 200 مایلی شمال مکه قرار داشت. این سفر، هجرت نامیده شد که به عنوان مبدأ تاریخ در تقویم اسلامی محسوب می گردد.

محمد، ارتشی از افراد داوطلب تشکیل داد تا به کاروانها یورش برده¹ و هزینه های مربوط به عملیات نظامی اش را در مدینه فراهم سازند. حملات پیوسته ارتش مسلمانان به کاروانهای مکه، مردم آن شهر را

و ادار نمود تا پیمان صلحی با آنان امضاء نمایند.
اما محمد در سال 630 میلادی باز هم ارتش خود را
روانه مکه نمود. مسلمانان پس از یک نبرد سهمگین،
مکه را تسخیر و حکومت اسلامی را برقرار ساختند. بت
های داخل کعبه نابود گشتند؛ الله، خدای یگانه معرفی
شد و محمد آخرین پیامبر او لقب گرفت. حج به عنوان
جشن یادبودی برای تأسیس این مذهب متحد جدید در
عربستان، به یک سفر زیارتی اسلامی مبدل گشت.

در سال 632 میلادی، محمد به شکل غیرمنتظره ای از
دنیا رفت و فرصت نیافت تا جانشینی رسمی برای خود
معرفی نماید. به دنبال آن، نزاعی بر سر قدرت در
گرفت که باعث ایجاد دو فرقه مختلف شد: سنی ها،
گروهی که از ابوبکر- پدر زن محمد²- حمایت میکردند؛
و شیعه ها، گروهی که حامی علی- داماد محمد³- بودند.
رقابت مذهبی میان این دو گروه پیوسته شدیدتر میشد
تا اینکه در سال 661 میلادی علی به قتل رسید و این
رقابت ها شکل وخیمی به خود گرفت. اگرچه مسلمانان
سنی و شیعه، از اصول و عقاید یکسانی پیروی میکنند،
اما همیشه دقت دارند که هویت اسلامی خاص خود را حفظ
نمایند.

مسلمان کیست؟

ریشه لغوی اسلام (استسلم) در عربی به معنای "تسلیم" می باشد. مسلمان به فردی گفته میشود که زندگی خود را تسلیم اراده خداوند نموده است.
شخص می تواند با به زبان آوردن دعای اعتراف که "شهادت" نامیده می شود، اسلام بیاورد و مضمون آن این است:

خدایی جر خدای یگانه (الله) وجود ندارد؛ محمد، فرستاده خداوند (الله) است.

زندگی یک مسلمان با 5 اصل ایمان در اسلام رهبری میگردد که عبارتند از:

اول- شهادت : اعتراف به ایمان

دوم-صلات: نماز و عبادت روزانه (5 مرتبه در روز)

سوم- زکات: کمک های خیریه

چهارم- صیام: روزه و پرهیز در طول ماه رمضان

پنجم- حج: سفر زیارتی به مکه، حداقل یکبار در طول زندگی شخص

خداشناسی در اسلام

اسلام یک دین توحیدی است و اعتقاد دارد که تنها یک خدای حقیقی وجود دارد و نامش "الله" است.⁴ "الله بر خلاف خدای انجیل، هیچگونه تمایلی برای داشتن "رابطه شخصی" با ایمانداران خود ابراز نمی کند. او یک قاضی مقتدر است که انتظار دارد آنها از فرامین وی پیروی محض داشته باشند.

بر اساس اسلام، خداوند از طریق انبیاء متعدّد، نیّت و هدف خود برای بشریت را اعلام نموده است. در کتاب انجیل نیز به اکثر این انبیاء اشاره شده است مانند: آدم، نوح، ابراهیم، موسی و حتی عیسی. محمّد، آخرین مکاشفه را از الله دریافت نمود و در نتیجه تصوّر می شود که وی "خاتم انبیاء" است.

گوشزد نمودن گناهان مردم و دعوت ایشان به توبه نیز وظیفه پیامبران بود. لازم به ذکر است که مفهوم گناه در اسلام، با تعریف آن در انجیل تفاوت دارد. اسلام به "ذات گناهکار" موروثی در بشر اعتقاد ندارد. از دیدگاه آنان، گناه چیزی نیست جز سرکشی و طغیان علیه دستورات الله. در نتیجه رستگاری، تنها بوسیله تسلیم و فرمانبرداری از فرامین الله حاصل میگردد.

در روز قیامت، اعمال خوب و بد ما بر روی یک ترازو سنجیده خواهند شد. اگر اعمال بد ما سنگین تر از اعمال خوبمان باشد، باید در ازای آن مدتی در جهنّم بمانیم تا بهای آن را بپردازیم⁵. پس از این مجازات

موقت، مسلمانان حقیقی با شفاعت و وساطت محمد روانه بهشت خواهند شد، در حالیکه سایر افراد به نابودی ابدی دچار میگردند.⁶

کتاب قرآن

قرآن، کتاب مقدس اسلام است. بر طبق قرآن، الله عهد قدیم (تورات) را بر موسی و عهد جدید (انجیل) را بر عیسی نازل کرده است. اما آخرین مکاشفه (قرآن) بر محمد نازل شده و در نتیجه موضوعیت دو کتاب عهد جدید و عهد قدیم را باطل میسازد.

از دیدگاه اسلام، احادیث (گفتار و روایات محمد نبی) متون الهامی هستند، در صورتیکه قرآن، وحی منزل خداوند است.

باید دانست اسلام تنها مذهبی است که اصرار دارد کتاب مقدس آن عملاً از زبان خود خداوند جاری شده است. این دین ادعا دارد که متن اصلی قرآن در بهشت موجود بوده و به زبان عربی نوشته شده است. در نتیجه قرائت رسمی قرآن همیشه فقط به عربی صورت میگیرد. نسخه ترجمه شده آن معتبر نیست، مگر آنکه متن اصلی عربی نیز ضمیمه آن باشد.

اسلام معتقد است که الله، فرشته خود جبرئیل را فرستاد تا متن قرآن را کلمه به کلمه بر محمد دیکته کند. وی نخستین بار در سال 610 میلادی در غار کوه حرا با جبرئیل روبرو شد. خدیجه همسر وی، او را تشویق کرد که به آن صداها توجه نموده و پیام آنها را به پیروان خود منتقل سازد. این مکاشفات درون غار تا 23 سال بعد و تا زمان مرگ او در 632 میلادی ادامه پیدا کرد.

باید توجه داشت که محمد خودش قرآن را ننوشت، بلکه این مسئولیت را به شاگردان خود محول نمود که قرآن را به حافظه خود سپرده و آنرا به شکل یک سنت شفاهی ترویج دهند. در زمان وفات محمد، نسخه های بسیار متعدّد و متضادی از قرآن در جامعه منتشر شده

بود. قرآن به شکلی که اکنون در دست ما است تنها توسط خلیفه سوم، عثمان ابن عفان در سال 651 میلادی دسته بندی و تدوین شده است.

باید دانست که مسلمانان بر این باورند که در کتاب مقدس آنها، نیروی انسانی دخل و تصرف نداشته است. از نظر آنان، زیر سؤال بردن این حقیقت که قرآن توسط خداوند تألیف گشته، توهین بسیار شدید به مقدسات است. از دیگر سو، مسیحیان معتقدند که کتاب مقدس (عهد جدید و قدیم) کلمه "الهام گرفته" خداوند است؛ که اشاره به "کلمه زنده" دارد که همان عیسی مسیح است.

عیسی در اسلام

اسلام، عیسی را پیامبری میداند که با پیامی مشخص (انجیل) از جانب خداوند آمده است. در 15 سوره و 93 آیه از قرآن به عیسی اشاره شده است. مطالعه دقیق قرآن نشان میدهد که نویسنده آن برای تولد، رسالت و مرگ عیسی مسیح، ویژگی های الهی قائل است و وی را به شکل انسان منحصر بفردی ترسیم مینماید که دارای خصوصیات فوق طبیعی است.

تولد عیسی

مسلمانان باور دارند که عیسی از مادر باکره متولد شده است. بر طبق اسلام، عیسی تنها انسانی است (به استثنای آدم) که پدر زمینی ندارد. ماجرای تولد عیسی در قرآن با آنچه در انجیل آمده مطابقت دارد، تنها تفاوت آن در مکان تولد عیسی است که قرآن میگوید در زیر یک درخت نخل اتفاق افتاده است:

(19: 17-21) سوره مریم، آیه 17-21

و چون از آنان فاصله گرفت، ما از جانب خود روحی را به نزد او فرستادیم و آن روح نورانی به هیأت انسانی در برابرش ظاهر شد؛ مریم گفت: "از تو به الرحمان پناه می برم، (نزدیک نیا) اگر خدا ترس

هستی." روح گفت: "من فرستاده آفریدگار-پروردگار تو هستم و آمده ام تا از جانب خداوند به تو مژده پسری پاک و پارسا را ببخشم." مریم گفت: "چگونه مرا فرزندی باشد در صورتیکه هیچ مردی مرا لمس نکرده و من نیز هرگز بدکاره نبوده ام؟" روح گفت: "این چنین خواهد شد آفریدگار-پروردگار تو می فرماید: این کار بر من آسان است و ما آن پسر را نشانه ای الهی برای مردم قرار می دهیم و نیز نشانه رحمتی از سوی خود"

بر اساس اسلام، عیسی در زمانی که کودکی بیش نبود از درون گهواره اش با مردم صحبت نمود و بدین سان تمایز خود را با سایرین نشان داد:

(19: 29-32) سوره مریم، آیه 29-32

مریم اشاره به مسیح نوزاد کرد (یعنی که او خود پاسخ خواهد داد) آنها گفتند: "ما چگونه با کودک گهواره ای سخن بگوییم؟" طفل گفت: "من پرستشگر خدای یگانه هستم و او به من کتاب دینی و مقام پیامبری عنایت فرموده است؛ و وجود مرا مبارک عنایت فرموده در هر کجا که باشم، به من توصیه فرموده مادام که زنده ام نماز برپا دارم و زکات بپردازم. (او نیز توصیه فرموده که) نسبت به مادرم نیکی کنم؛ خداوند اراده فرموده که آدمی زورگو و سنگدل نباشم. "

قرآن همچنین شرح میدهد که عیسی در خردسالی از گل کبوتری ساخته، در آن دمیده و اینگونه به آن پرنده جان بخشیده است:

(5 : 110) سوره المائده، آیه 110

"تأیید فرمودم که در گهواره و در میانسالی با مردم (پیامبرانه) سخن بگویی... و متذکر باش زمانی که به قدرت "امر من" از گل به شکل مرغ چیزی می ساختی و چون در آن می دمیدی، بنا به "امر من" آن (جسم گلی) پرنده ای (واقعی و جاندار) می شد"

زندگی و رسالت عیسی

همانگونه که پیشتر خواندیم، عیسی تنها پیامبری در قرآن است که مقدس زاده شد و پس از آن نیز پاک و مقدس زیست. درحالیکه حتی خود محمد پیش از آنکه از جانب خدا به پیامبری برگزیده شود، از گناه مبرا نبود. در قسمت هایی از قرآن دیده میشود که خداوند به محمد فرمان میدهد از گناهان خود توبه کند:

(19:47) سوره محمد، آیه 19

(ای پیامبر) بدان که معبودی جز خالق یکتا وجود ندارد و برای تقصیرهای خودت و زنان و مردان مؤمن از محضر خداوند طلب عفو و بخشش کن و خداوند است که مراکز آمد و رفت و محلّهای زندگانی شما را می داند.

در حالیکه در قرآن رسالت عیسی مورد تمجید و ستایش فراوان قرار گرفته است:

(3 : 45) سوره آل عمران، آیه 45

"... نام او عیسی مسیح، پسر مریم است؛ او در دنیا و آخرت صاحب آبرو و مقام است و از مقربان درگاه الهی خواهد بود."

قرآن، عیسی را "روح الله" نامیده⁷ و حتی تصدیق مینماید که پیام او بواسطه حمایت روح القدس، بی نظیر و منحصر بفرد به شمار میرود⁸. قرآن معجزات بیشماری که توسط عیسی انجام شده را تنها در یک آیه خلاصه مینماید:

(3 : 49) سوره آل عمران، آیه 49

"و کور مادرزاد و پیس را شفا می بخشم و مردگان را زنده می کنم."

قرآن همانند انجیل، عیسی را "مسیح"⁹ (به معنای مسح شده) خطاب مینماید. اما در عین حال مسلمانان این لقب را صفت منحصر بفردی نمیدانند و تلقی آنان این

است که همه پیامبران در اصل توسط خداوند مسح و منصوب گشته اند. اگرچه در اسلام صفات خاصی به برخی پیامبران نسبت داده شده است، اما تمامی این صفات دارای مفهومی کلی هستند که میتوان آنها را در خصوص همه پیامبران بکار برد.

قرآن همچنین عیسی را "کلمه خدا" می نامد¹⁰. این نام در انجیل لقبی الهی است که تنها اختصاص به عیسی دارد. هرچند درک اسلام از واژه "کلمه" با درک یونانی ها از لغت "لوگوس" که در انجیل آمده تفاوت دارد. مسلمانان اعتقاد دارند که لقب "کلمه خدا" را میتوان به سایر پیامبران موجود در قرآن نیز نسبت داد، زیرا اساساً تک تک این پیامبران فرستاده ای از جانب خداوند بودند که "کلمه خدا" را برای سایر مردم بازگو مینمودند. اما باید توجه داشت که صفت "کلمه ای از طرف خدا" که قرآن به مسیح نسبت میدهد با واژه "رسول خدا" که برای توصیف محمد بکار میبرد و نیز "کلام خدا" که به موسی لقب میدهد، تفاوت دارد.

زندگی و پیام عیسی، عاری از هرگونه گناه و خطا بود و این امر او را از سایر پیامبران قرآن متمایز میسازد. اگر بخواهید به زندگی و رسالت عیسی در قرآن بدون عقیده و تصور قبلی نظر کنید، شخصیت الهی او را خواهید یافت که در لابلای صفحات قرآن میتپد.

مرگ و قیام عیسی مسیح

عیسی در قرآن با عیسای انجیل در یک نکته اساسی اختلاف دارد که عبارت است از قیام عیسی مسیح. درک اسلام از مفهوم قیام از نظر تاریخی بر تفسیر چهار آیه قرآنی زیر تمرکز یافته است:

(55:3) سورة آل عمران، آیه 55

(یادآور باش) زمانی را که خداوند فرمود: "ای عیسی! من، تو را برگرفته و به سوی خویش بالا می برم و تو را از تهمتها و از همزیستی کافران پاک می سازم و

تا روز قیامت، پیروان تو را بر آنها که کافر شده اند، برتری مقرر می فرمایم. سپس بازگشت شما به سوی من است و در بین شما، درباره آنچه اختلاف و جدل می کردید، داوری خواهم فرمود.

(157:4) سورة النساء، آیه 157

و مغرورانہ گفتند: "ما (بودیم که)، عیسی مسیح، پسر مریم، پیامبر خدا را کشتیم! در حالیکه نه او را کشتند و نه به دار آویختند لیکن (بواسطه مردی شبیه او) امر بر آنان مشتبه شد و (آن مرد را کشتند) کسانی که درباره مسیح اختلاف نظر پیدا کردند، قطعاً در شک هستند و هیچگونه علمی به واقعیت ندارند و تنها از حدس و گمان پیروی میکنند؛ و محققاً آنها عیسی مسیح را نکشتند."

(117:5) سورة المائدة، آیه 117

"من به آنها جز آنچه مرا امر فرمودی بگویم، نگفتم" (به آنها گفتم:) "خداوند را که آفریدگار- پروردگار من و شماست بپرستید." و مادام که در میان آنها (در دنیا) بودم بر اعمالشان گواه بودم و چون مرا (به سوی خود) برگرفتی تو خود مراقب و ناظر آنها بودی و ذات اقدس، شاهد بر کل امور است."

(33:19) سورة مریم، آیه 33

"و سلام بر من روزی که زاده شدم و روزی که میمیرم و روزی که دوباره زنده خواهم شد."

بر اساس آیاتی که در بالا آمد، اکثر مسلمانان اعتقاد دارند که عیسی هرگز مصلوب نشد، بلکه در آن لحظه به آسمان برده شد. در اینجا "تئوری جانیشینی" بیش از همه پذیرفته شده و عبارت از این است که خداوند جانیشینی را ایجاد نمود که به جای عیسی ظاهر گردد و در واقع او بود که مصلوب گشت، در حالیکه عیسی مستقیم به آسمان برده شد.

برخی از مفسران قرآنی، از جمله " امر بر آنان
مشتبّه شد " که در سوره النساء، آیه 157 (4:157) ذکر
شده است، دو روایت مختلف ارائه میدهند:

اوّل - خداوند، ظاهر تمامی شاگردان مسیح را به
شبهت او درآورد تا اینکه یهودیان نتوانند عیسی
مسیح واقعی را از بین آنان تشخیص دهند.

دوّم - عیسی از شاگردانش خواست که یکنفر از آنان
داوطلب شود به جای او بمیرد. سپس داوطلب مذکور، به
ظاهر عیسی در آمد و به عوض او به صلیب آویخته شد.

اگر تئوری دوّم صحّت داشته باشد، ممکن است تصوّر شود
که فریب و حيله جزو صفات خداوند است؛ در اینجا بود
که گروهی دیگر از مفسران، "تئوری خواب" را ارائه
نمودند که به "تئوری بیهوشی" نیز موسوم است. بر
طبق این تئوری، عیسی همانگونه که در انجیل آمده،
بر صلیب آویخته شد اما او را پیش از آنکه بمیرد،
به خاک سپردند. یعنی در واقع او بر روی صلیب بیهوش
شده و متعاقباً در مقبره خود بهوش آمد.

پیروان جنبش احمدیه در آسیای جنوبی، طرفداران اصلی
تئوری خواب محسوب میگردند. آنان عقیده دارند که
عیسی درون مقبره اش بهوش آمد و پس از آن نیز
رهسپار شرق گردید و در کهنسالی درگذشت. آنان
معتقدند که مقبره او امروزه در شهر سرینگر در
کشمیر قابل مشاهده است.

بر طبق سنت صوفی¹¹، مرگ عیسی مجازی و تمثیلی بوده
است: یعنی مرگ فیزیکی نداشته، بلکه مرگی فرضی و
نظری در وی روی داده است؛ مرگ از خویشتن. خداوند
آن دسته از تمایلات و خواسته های عیسی را که مانع
صعود وی به قلمرو آسمانی میشدند، در او کُشت.
صوفیان همچنین بر این باورند زمانیکه عیسی به
آسمان برده شد، به شبهت فرشتگان درآمد، یعنی
وجودی فارغ از هر گونه آرزو و هوای نفس که مرگ
هرگز بر آن چیرگی نخواهد یافت.

گروه کوچکی از مفسران مسلمان تمایل دارند این احتمال را بپذیرند که عیسی در حقیقت بر روی صلیب مانند یک شهید جان داد، اما همیشه از نظر خداوند، زنده است. عبارت "من تو را برمیگیرم" (مَتَّوْقِيكَ) که در سوره آل عمران، آیه 55 آمده است (55:3)، میتواند به این شکل نیز ترجمه گردد که: "من میخواهم سبب شوم تو بمیری" که به یک مرگ واقعی اشاره دارد. دو روایت مختلف وجود دارد که میتوان این تئوری را از آن دریافت: (الف) خداوند پیش از آنکه عیسی را به آسمان ببرد، سبب شد که او برای یک لحظه بمیرد؛ و (ب) عیسی برای مدت زمان سه تا هفت ساعت مرد و سپس دوباره به زندگی برگردانده شد.

مسلمانان عموماً اعتقاد دارند که قرآن در تمام تفسیرهایش، مرگ مسیح بر روی صلیب را رد میکند. آنان بر این تصورند که اگر عیسی مجاز بود به دست دشمنانش کشته شود در واقع صحت و اعتبار نبوتش مخدوش میگشت. این امر که خداوند پیامبر معصومی مانند عیسی را ترک کرده و تنها بگذارد، برای اسلام یک مشکل معنوی و اخلاقی جدی بحساب می آید. پیامبران دیگر، شهید شده اند اما عیسی با سایر پیامبران فرق دارد. او نه تنها معصوم بود، بلکه مقدس نیز بود. او از روح خدا متولد شد، پس گروهی دشمن قادر نبوده اند امر به مردن او نمایند. بدینگونه اسلام حتی در زمانی که مرگ عیسی مسیح را انکار مینماید، برای او هویتی منحصر بفرد و بی نظیر قائل میگردد.

بازگشت ثانویه

جالب است بدانیم که مسلمانان بازگشت ثانویه عیسی مسیح را باور دارند. اگرچه صراحتاً در قرآن به این امر اشاره نشده، اما احادیث به ما میگویند که عیسی به زمین باز خواهد گشت تا حکومتی عادلانه در جهان برپا نماید:

" او به زمین خواهد آمد...
او برای اسلام خواهد جنگید..."

او صلیب را خواهد شکست، حریص را خواهد کشت، و جنگ
ها را خاتمه خواهد داد...
را نابود خواهد کرد" ¹²

خلاصه

به طور خلاصه میتوان ملاحظه نمود که در قرآن، عیسی
با سایر پیامبران اسلام و حتی محمد تفاوت دارد:

اول- او از مادر باکره زاده شد و پدر زمینی و
انسانی نداشت.

دوم- او کارهای خارق العاده ای انجام داد که اولین
آنها در گهواره اش بود.

سوم- او تنها پیامبری بود که بی گناه و مقدس توصیف
شد.

چهارم- او تنها پیامبری است که "نمی توانسته"
بمیرد.

پنجم- او تنها پیامبری است که بازخواهد گشت تا بر
ملت‌ها داوری نماید.

دعای من بر این است و امید دارم که بی نظیر بودن
عیسی در قرآن، حداقل اطرافیان مسلمان ما را وادار
سازد در مورد احتمال الوهیت او تأمل نموده و
انگیزه جستجو برای درک عمیق تر هویت واقعی مسیح را
در آنان ایجاد نماید.

عیسی در انجیل

نظریه پردازان مسلمان غالباً اظهار میدارند که
یهودیان و مسیحیان و مسلمانان، یک خدای واحد را
می پرستند. اساس این امر بر این واقعیت استوار است
که رسوم و سنن موجود در هر سه این مذاهب، از یک
منبع سرچشمه میگیرد و آن خدای ابراهیم است.

بر طبق انجیل، تنها یک خدا وجود دارد و مکاشفه
خداوند از قبل در طبیعت موجود است. اما خیالات

انسانها باطل گردید¹³ و مفاهیمی ساخته ذهن خودشان در مورد خداوند ایجاد کردند.

مسیحیان معتقدند که خدای ابراهیم، خود را به شکل جسم انسانی آشکار ساخته و آدمیان را به داشتن رابطه شخصی با خویش فرا می خواند. هرآن کس که نپذیرد خداوند، خود را در قالب مسیح آشکار ساخته است، در واقع تصویری خلاف مسیحیان از وی دارد، حتی اگر در دعاهایش به همان خدا اشاره کند.

این را نیز باید بدانیم که قرآن با مفهوم "برادری" میان یهودیت، مسیحیت و اسلام شدیداً مخالف است:

(72:5) سورة المائدة، آیه 72

بتحقیق آنها که گفتند: "خداوند، همان مسیح پسر مریم است کافر هستند"... "خداوند بهشت را بر او حرام فرموده است و جایگاه او دوزخ است."

(30:9) سورة التوبه، آیه 30

و یهودیان می گویند: "عزیر پسر خداست." و مسیحیان می گویند: "مسیح پسر خداست."... خداوند آنها را بکشد، چگونه از حق روی گردان می شوند؟

با وجود آنکه قرآن، همانگونه که در بخش پیش خواندیم، مسیح را به عنوان یک پیامبر بی نظیر میشناسد، اما شدیداً الوهیت او را انکار میکند. چگونه میتوان چنین برداشتی از مسیح داشت درحالیکه او پدر انسانی نداشته است؟ اگر وی طبق سخن قرآن، از روح القدس نطفه یافته است پس آیا خداوند پدر واقعی او نیست؟ اگر او از رحم یک زن بدون هیچ گونه پدر انسانی متولد گشته است، به چه دسته و گونه ای تعلق دارد؟

تجزیه و تحلیل دقیق تاریخی به ما نشان میدهد که عیسی در قرآن در واقع همان نسخه اسلامی شده عیسی انجیل است. می دانیم که محمد در محیطی پرورش یافت

که در آن، ماجرای زندگی عیسی و تعالیم وی به راحتی قابل دسترس بود. متأسفانه نخستین منبع اطلاعاتی او را متونی روحانی تشکیل میداد که توسط کلیسا مردود اعلام شده بود. باید این حقیقت را به یاد داشته باشیم که انجمن‌های محلی مسیحی در کشورهای عربی در واقع بدنه‌ای کاملاً به هم ریخته و متشکل از ایمانداران و بی‌ایمانان بود. هیچگونه اصل یا عقیده مرکزی وجود نداشت که انجمن‌های محلی را به همدیگر پیوند دهد. تعالیم موجود در کلیساهای مختلف از نظر الهیات و خداشناسی با هم تفاوت‌های فاحش داشتند. بحث و مناظره‌های شدید در خصوص ماهیت واقعی مسیح (اعم از آنکه آیا او خدا است یا انسان و یا هر دو) همه‌گیر شده بود. بنابراین عقیده محمّد راجع به مسیح می‌تواند متأثر از احساس ناخوشایندی باشد که در اثر اختلاف‌های موجود در این انجمن‌های مسیحی در او شکل گرفته بود.

هرچند انجیل، صراحتاً عیسی مسیح را به عنوان شمایل انسانی خدای واحد معرفی میکند: "در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. همان در ابتدا نزد خدا بود... کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد... خدا را هرگز کسی ندیده است... پسر یگانه‌ای که در آغوش پدر است، همان او را ظاهر کرد." (یوحنا 1: 1-18)

پایین آمدن خداوند بر روی زمین در قالب انسان، حدود 700 سال پیش از آنکه مسیح عملاً تولّد یابد، پیشگویی شده بود: "بنابراین خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینک باکره حامله شده، پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند." (اشعیا 7: 14)

پيامبران نیز در انجیل پیشگویی کرده بودند که عیسی مسیح بر خلاف آنان تنها یک پیامبر نخواهد بود، بلکه او شخصیت عینی خداوند با اعتبار و قدرتی الهی است: " زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما

بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد. پادشاهی او عظیم خواهد بود و کامیابی بی کران خواهد آورد. " (اشعیا 9: 6-7)

خداوند با یک مأموریت الهی وارد قلمرو انسانی شد و آن این بود که دنیا را با خود مصالحه دهد. او از طریق مرگ و قیام عیسی مسیح توانست به این هدف دست یابد. انجیل اعلام میکند: " و همه چیز از خدا که ما را بواسطه عیسی مسیح با خود مصالحه داده و خدمت مصالحه را به ما سپرده است. یعنی اینکه خدا در مسیح بود و جهان را با خود مصالحه می داد و خطایای ایشان را بدیشان محسوب نداشت و کلام مصالحه را به ما سپرد. " (دوم قرن تیان 5: 18-19)

عیسی پس از آنکه مأموریت خود را بر روی زمین به انجام رساند به آسمان برده شد و اکنون در دست راست خداوند نشسته است. تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به او داده شده است. بنابراین عیسی انجیل پیامبری مانند موسی یا محمد نیست؛ بلکه او " الف و یاء و ابتدا و انتها و اول و آخر " است. (مکاشفه یوحنا 13:22)

نتیجه گیری

هدف اصلی من از نوشتن کتاب حاضر این بود که خواننده را با چهره عیسی در اسلام آشنا کنم. من عمده‌اً شماری از موضوعات را که جنبه سیاسی داشتند در کتاب وارد نکردم، زیرا بنظر میرسید بی ارتباط با صحبت‌های انجیل هستند.

انجیل مسیحی، نه یک رساله است که احتیاج به اثبات داشته باشد و نه نزاعی است که در پی پیروزی بگردد؛ انجیل مسیحی در واقع دعوتی است برای تجربه کامل تجسم خدا در مسیح عیسی. ما نباید در جستجوی مناظره میان اسلام و مسیحیت باشیم، بلکه شایسته است بر

گفتگوی محترمانه بین مسلمانان و مسیحیان تمرکز
نماییم.

ما باید خواهر و برادران مسلمان خود را تشویق
نماییم که قرآن را حداقل یکبار به زبان خودشان
بخوانند و به تکرار جملات عربی بدون فهمیدن معنای
واقعی آن بسنده نکنند. اگر آنان این کار را بدون
هیچگونه پیش‌پنداری به انجام برسانند، امید دارم
دریابند که عیسی قرآن در واقع پُلّی یکپارچه به سوی
عیسی انجیل است.

در ابتدا کلمه بود. در اسلام، کلمه یک کتاب شد
(قرآن)؛ در حالیکه در مسیحیت، کلمه در عیسی مسیح
جسم گردید. پس سؤال اصلی این است: ما در جستجوی چه
نوع رابطه‌ای با خداوند هستیم؟ - رابطه‌ای که میان
یک کتاب و خوانندگان آن وجود دارد یا رابطه‌ای که
میان یک پدر و فرزندانش جاری است؟

مسیحیت چیزی فرای یک دین است - مسیحیت دعوت آشکاری
است برای برقراری رابطه‌ای شخصی و نزدیک با خداوند
از طریق عیسی مسیح.

پرسش‌های مباحثه‌ای

1. آیا به اعتقاد شما، یهودیان و مسیحیان و
مسلمانان، خدایی واحد را می‌پرستند؟ چرا؟
2. تفاوت میان درک یک مسلمان از قرآن با درک یک
مسیحی از انجیل چیست؟
3. شباهت‌ها و تفاوت‌های میان عیسی در مسیحیت و
عیسی در اسلام کدامند؟

یاورقی

1. این رویداد، آغاز جهاد یا جنگ مقدّس در اسلام
است.
2. پدر آخرین همسرش عایشه
3. همسر دخترش فاطمه
4. "الله" ترجمه عربی واژه "خدا" است.

5. تنها افرادی که از این قاعده مستثنی هستند عبارتند از کسانی که در جهاد (جنگ مقدس برای دفاع از اسلام) کشته شده اند. آنها مستقیماً وارد بهشت خواهند شد.
6. اسلام همچنین در مورد پلی سخن میگوید که مقصد آن بهشت است و از روی جهنم میگذرد؛ ما باید پس از مرگ از روی آن عبور نماییم. پرهیزکاران وارد بهشت خواهند شد، اما گناهکاران از روی پل سقوط کرده و داخل جهنم سوزان میشوند.
7. (171:4) سورة النساء، آیه 171
8. (253:2) سورة البقره، آیه 253
9. (45:3) سورة آل عمران، آیه 45 - (72:5) سورة المائدة، آیه 72
10. (3: 39 و 45) سورة المائدة، آیه 39 و 45
11. سنت اهل تصوف در اسلام
12. حدیث الزخرف؛ (43: 57-67) سورة الزخرف، آیه 57-67
13. رومیان 21:1